



توراه اور • پاراشاها تولדות • مامار 4

ויחפרו עבדי יצחק בנחל כו'

«و خادمانِ اسحاق (יצחק) در دره چاه
کندند... چاهی که امیران کنده بودند»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بییتسחק

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/toldos/4

1 ויחפרו עבדי יצחק בנחל כו'. באר חפרוה שרים וגו'. דהנה איתא בגמ' [בגמרא] ע"פ והנהר הרביעי הוא

פרת הוא דמעיקרא שממנו נפרדו לארבעה ראשים דהיינו ג' יצאו ממנו והרביעי

«خادمان اسحاق (יצחק) در وادی چاه کردند»، و الی آخر. «چاهی که سروران کردند»، و الی آخر. زیرا، اینک، در گمارا (גמרא) درباره [آیه] «و رود چهارم، همان **פרת** است» آمده است: «همان رود آغازین است»؛ رودی که از آن [رود] به چهار سرشاخه تقسیم شد؛ یعنی سه رود از آن بیرون آمدند و چهارمی

הוא בעצמו ואמרו כל הנהרות למשה מפרת וכל מעיינות שבעולם נובעים מסולמא דפרת פי' מתחת

לקרקע נוקב והולך עד שבחפירה מועטת ימצא באר מים חיים.

خود **פרת** است. و گفته‌اند: همه رودها پایین‌تر از فرات‌اند و همه چشمه‌های جهان از پلکان فرات می‌جوشند. یعنی: در زیر زمین راه می‌شکافد و پیش می‌رود، تا آنجا که با کندن اندک، چاهی از آب زنده یافت می‌شود.

2 ולכאורה תמוה מפני מה יקרא באר מים חיים כיון שעיקר נביעתו הוא מנהר פרת. והענין דהנה כתיב

ונהר יוצא מעדן להשקות את הגן כו'

در نگاه نخست، این پرسش به نظر می‌رسد: چرا آن را چاه آب زنده می‌نامند، با آن‌که سرچشمه اصلی جوشش آن رود فرات است؟ توضیح این است: اینک نوشته شده است: «و رودی از عدن بیرون می‌رود تا باغ را آبیاری کند»، و غیره.

ג"ן סדרי דאורייתא פי' כידוע שבתחלה צריך לקבל עומ"ש [עול ملکوت שמים] בשלימות דהיינו להאמין

באמונה שלימה באחדות ה'

«باغ» (ג"ן، ۵۳، gan): پنجاه‌وسه بخش (סדרי، sidros) تورات. یعنی، چنان‌که دانسته است، در آغاز باید یوغ فرمانروایی آسمان را به‌تمامی پذیرفت؛ یعنی با ایمانی کامل به یگانگی **ה'** ایمان داشت،

שהוא המהווה כל העולמות וכולא קמיה כלא חשיב וכולא חד כו' וכאשר יתבונן האדם בק"ש [בקריאת

שמע] וישים ללבו היטיב ענין האחדות ויקבל עליו באמת עול מל'

که او همه عوالم را به‌وجود می‌آورد، و همه چیز در برابر او هیچ به‌شمار می‌آید، و همه یکی است، و غیره. و هنگامی که انسان در **שמע** (קריאת **שמע**، Shema) تأمل می‌کند و به‌خوبی به مسئله یگانگی [ה'] دل می‌سپارد و یوغ فرمانروایی [او] را صادقانه بر خویش می‌پذیرد—

כי יעקב חבל נחלתו חפצם לדבקה בו בכל לבבם ומאמינים באחד וחפצים בו אבל אין מקום שישרה בו בחי' אחד לאחר שקבל עליו.

זیرا «يعقوب (יעקב) سهم ميراث اوست»: خواست آنان این است که با تمام دل به او بپیوندند؛ آنان به یگانه ایمان دارند و او را می‌خواهند—با این همه، پس از آن که [آن را] بر خویش پذیرفته است، جایی نیست که مرتبه «یکی» در آن قرار گیرد.

3 ואין לו מקום אלא בתורה שהיינו שמיד אחר קבלת מ"ש ילמוד בעיון מחשבתו ושכלו ודבורו בתורה שבע"פ [שבעל פה] וקודם למודו יתבונן באחדות ה' כו'

و جایگاهی برای آن جز در تورات نیست. یعنی: بلافاصله پس از پذیرش فرمانروایی آسمان، باید تورات شفاهی را با ژرفای اندیشه، عقل و گفتار خویش به دقت بیاموزد؛ و پیش از مطالعه، در یگانگی ه' و غیره تأمل کند.

ועי"ז יגרום לו העסק בתורה בכל עומק מחשבתו ולבבו וכו' וזהו נק' ונהר יוצא מעדן פי' מעדן מעם הקב"ה שנק' עדן ונהר הוא לשון המשכה

و از این راه، اشتغال به تورات با تمام ژرفای اندیشه و دلش و غیره برای او تحقق می‌یابد. و این همان «و نهري از عدن بیرون می‌آید» است. یعنی: «از عدن» – کب"ה که «عدن» نامیده می‌شود؛ و «نهر» به معنای جریان یافتن و فرود آمدن است.

פי' כאשר יומשך אלהות מלמעלי [מלמעלה] למטה בקבלי' מ"ש המשכה זאת משקה את הגן היא התורה שהיא ד' אמות של הלכה במקום קדשי קדשים אורייתא היכלא דמלכא שבה שורה אחדות ה' כו'

یعنی: هنگامی که الوهیت از بالا به پایین، از راه پذیرش فرمانروایی آسمان، فرود آورده شود، این فرود آمدن باغ را آبیاری می‌کند؛ و آن باغ تورات است، همان «چهار ذراع הלכה (halachah: احکام هلاخایی)»، در جایگاه قدس الاقداس – «تورات، کاخ پادشاه است» – که یگانگی ه' در آن جای دارد و غیره.

כאשר יתקיים בו בחי' נהר יוצא מעדן בתפלתו ושעור למודו מיד אחר התפלה אבל אח"כ צריך לעסוק בכל מחשבתו כו'

هنگامی که مرتبه «نهری از عدن بیرون می‌آید» در او، در نمازش و در زمان معین مطالعه‌اش بلافاصله پس از نماز تحقق یابد – اما پس از آن باید تمام اندیشه خود را و غیره به کار گیرد،

בעניני עולם השפל ושוכח כל התבוננותו בקבלת מ"ש מפני גשמיות גופו על מעוט דעת שלו ויתרחק מאד מבחינה שהיה לו דעת בתפלתו ועבודתו בתורה כו'

در امور جهانِ فرودست، و تمام تأملش در پذیرش فرمانروایی آسمان را فراموش می‌کند؛ زیرا جسمانیّت تنش و شناختِ اندکِ او (دעת، Daas) او را از آن مرتبه بسیار دور می‌سازد؛ مرتبه‌ای که در نماز و خدمتش در تورات از شناخت برخوردار بود و غیره

-

לכך נתן לנו מצות לעשותם כל היום כי ענין המצות מעשיות הם הגבה למעלה מעלה בפנימיותם ושרשם

ازاین‌رو، فرامینِ عملی (מצות، mitzvos) را به ما داد تا در سراسر روز به‌جا آوریم. زیرا حقیقتِ فرامینِ عملی این است که در بُعدِ درونی (پنمیویوت، pnimiyus) و ریشه‌ خود، بسیار بسیار بلندمرتبه‌اند؛

אך שנתלבשו בכמה לבושים בהשתלשלות העולמות כו' ומ"מ רומזים על מדרגה הגבוה שבשרש' [שבשרשם] כמו מצות ציצית [ציצית] שענינה למעלה בעולמות עליונים ונתלבשה מצותה בשמונה חוטין של צמר וה' קשרים כו'

ولی آن‌ها در زنجیره‌ نزولِ عوالم (השתלשלות، hishtalshelus) در پوشش‌های بسیاری درآمده‌اند و غیره؛ بالین‌همه، به مرتبه‌ بلند ریشه‌ خود اشاره دارند. برای نمونه، فرمانِ **ציצית** (tzitzis؛ رشته‌های آویخته لباس)، که معنای آن در عوالم برتر است، در صورتِ فرمانی که به هشت رشته‌ پشمی و پنج گره و غیره پوشیده شده است.

ולכן המצות לא תצטרך להם עבודת האדם לתקנם ולכוון אל אמתתם כי מצות א"צ [אין צריך / אינו צריך] כוונה לפי שהן בעצמם מתוקנים ונשתלשלו ממעלה למטה כו' והעושה המצוה המשכת אלהות שגורם אינה מצד עבודתו רק מחמת המצות עצמן כו'.

ازاین‌رو، فرامین به خدمتِ انسان نیاز ندارند تا آن‌ها را اصلاح کند و به حقیقتشان نظر داشته باشد؛ زیرا «فرامین به نیت نیاز ندارند»، چون خودشان اصلاح‌شده‌اند و گام‌به‌گام از بالا به پایین فرود آمده‌اند و غیره. و [برای] کسی که فرمان را انجام می‌دهد، فرودآمدنِ الوهیتی که سبب می‌شود، نه از رهگذر خدمتِ او، بلکه تنها به سبب خودِ فرامین است و غیره.

משא"כ בתורה ותפלה שהיא עבודת הלב תלויה דוקא בכוונת האדם כו' ועיקר הכוונה הצריכה בעשיי' [בעשייה] המצות הוא שיתבונן בתחילה איך שהוא מאד רחוק מה'

اما در مورد تورات و نماز چنین نیست؛ زیرا آن‌ها عبادتِ دل‌اند و مشخصاً به نیتِ شخص وابسته‌اند و الی آخر. و نیتِ اصلی‌ای که برای انجام فرمان‌ها (מצות، mitzvos) لازم است، آن است که او نخست بیندیشد که تا چه اندازه از **ה'** دور است،

ע"י טרדתו כל היום בהבלי חפצי העוה"ז וגשמיות חומרו ועוונותיו מסך מבדיל לבלתי התקרב אל ה' אפי' [אפילו] מעט ויתבונן

به سبب آن که تمام روز به امور پوچ دل مشغولی های این دنیا، مادیّت وجود جسمانی اش و گناهانش گرفتار است—که همچون پرده ای حائل اند و [او را بازمی دارند] از اینکه حتی اندکی به ه' نزدیک شود. و باید بیندیشد

בזה היטב הדק וישבור לבו בהתבוננ' [בהתבוננות] זה ויכנע לבבו מפני שמ"מ חפץ הוא להתקרב אל ה' בתורתו כו' ויכוון במצוה שנזדמנה לידו בעשותו אותה.

در این باره با دقتی تمام و موشکافانه بیندیشد، دلش را با این تأمل بشکند و دلش فروتن شود—زیرا باین همه، خواهان نزدیک شدن به ه' از راه تورات اوست و الی آخر. و هنگام انجام **מצוה** که پیش رویش قرار می گیرد، [این] نیت را داشته باشد.

שהוא כמו באר מ"ח שנובע מתחת הקרקע מנהר א' שאע"פ [שאף על פי] שהנהר אינו נק' מ"ח אבל המים היוצאים ממנו ונוקב והולך עובי עפר הקרקע נק' מים חיים מפני שמתברר ומתלבן ע"י דחקם לצאת בעפר החומרי

زیرا این مانند چاهی از آب زنده است که از رودخانه ای در زیر زمین می جوشد: هرچند خود رودخانه «آب زنده» نامیده نمی شود، آبی که از آن بیرون می آید و با شکافتن ضخامت خاک زمین راه خود را می گشاید، «آب زنده» نامیده می شود؛ زیرا در اثر فشرده شدن برای بیرون آمدن از میان خاک مادی، پالوده و تصفیه می شود.

וכן ממש עשיית המצוות כשהי' [כשהיה] לו בתחלה בתפלתו ועבודתו בחי' נהר יוצא מעדן הנ"ל רק שנכסה ונעלם בתוכו ע"י גשמיות תשוקת גופו כל היום.

و انجام **מצות** نیز دقیقاً همین گونه است: در آغاز، در نماز و خدمتش، مرتبۀ «رودخانه ای که از عدن بیرون می آید» را که پیش تر یاد شد داشت؛ تنها این که در طول روز، بر اثر جسمانیّت اشتیاق تنش، در درون او پوشیده و پنهان شد.

4 וכשעושה המצוה שנובעת מנהר הנ"ל פי' מפני שזוכר שכבר קבל ע"ע [על עצמו / על עצמד] מ"ש בכל לבבו ולכך עושה מצותיו ליכנס בעול מלכותו אע"פ [אף על פי] שעכשיו אין לו בחי' נהר הנ"ל סומך לבו על שכבר גמר בלבו לעבוד ה' באמת זהו

و هنگامی که فرمان الهی، **מצוה** (mitzvah)، را که از نهر مذکور در بالا سرچشمه می گیرد به جا می آورد – یعنی از آن رو که به یاد می آورد که پیش تر با تمام دل، فرمانروایی آسمان را بر خود پذیرفته است، و از این رو **מצותی** را به جا می آورد تا زیر یوغ فرمانروایی او درآید؛ هرچند اکنون مرتبۀ نهر مذکور در بالا را ندارد، در دل به این تکیه می کند که پیش تر در دلش عزم کرده است که ه' را به راستی خدمت کند – این همان است

כמו באר מ"ח מפני שמאד ערב לו זאת המעט בעבודת ה' מפני שהתבונן שמאד מאד רחוק הוא מה'.

همچون چاهی از آب زنده؛ زیرا این اندازه اندک از خدمتِ ه' برایش بسیار دلپذیر است، چون اندیشیده است که بسیار بسیار از ه' دور است.

5 ועושה המצוה הוא ע"ד הנ"ל שמאד מתוק וערב לו לעשות המצוה כו' כמו הבאר כשחופרין בקרקע ומוצאים מים הם מ"ח מפני שעברו עובי העפר כן עשיית המצות עשייתו אותה נובעת מנהר הנ"ל כו'.

و [هنگامی که] او فرمان (מצוה, mitzvah) را به همان شیوه یادشده در بالا به جا می آورد، [چنان که] به جا آوردن فرمان برایش بسیار شیرین و دلپذیر است و غیره — مانند چاه: وقتی در زمین می کنند و به آب می رسند، آن آب زنده است، زیرا از لایه ضخیم خاک عبور کرده است؛ همین گونه نیز در انجام فرمان ها (מצוות, mitzvos)، انجام آن از رود یادشده در بالا می جوشد و غیره.

6 וזהו שהיה האריז"ל [האר"י זכרוננו לברכה] שמח מאד בעשיית המצות ולכך זכה לרה"ק [לروح הקודש] ולא שמח בעבודתו כו' כי המצות בפני עצמם קדושתם כו'

و این [سبب] آن بود که آریزال (האריז"ל) از انجام فرمان ها (מצוות, mitzvos) بسیار شادمان می شد و از این رو به روح مقدس (روح הקודש, ruach hakodesh) نائل آمد؛ اما از خدمت [خود] شادمان نبود، و غیره؛ زیرا خودِ **מצוות**، قداست [ویژه خود را دارند]، و غیره،

כנ"ל ועשיותה בא מהתבוננות שפלות התקרבותו אל ה' שזו היא מדת ענוה באמת שנאמר על מרע"ה [משה רבינו עליו השלום] כי עיקר השפלו' בפני כל אדם שאמרו א"א להיו' [להיות] כ"א עד"ז שרואה בחבירו שהוא יותר קרוב לה' כו'

چنان که [در بالا] توضیح داده شد. و انجام آن از تأمل درباره این که نزدیکی او به ه' تا چه اندازه ناچیز است، سرچشمه می گرفت. زیرا این همان صفت راستین فروتنی است که درباره موسی (مשה)، استاد ما، درود بر او، گفته شده است؛ چرا که اصل فروتنی در برابر هر شخص — که گفته اند جز به این شیوه ممکن نیست — آن است که آدمی در همنوع خود کسی را ببیند که از او به ه' نزدیکتر است، و غیره.

וזהו נפש שבעה תבוס נופת שאפילו הדבש מר לו אבל נפש רעבה כל מר מתוק

و این [معنای این آیه است:] «جانِ سیر، شانه عسل را لگد مال می کند» — حتی عسل نیز برایش تلخ است — «اما برای جانِ گرسنه، هر چیز تلخی شیرین است.»

**פי' באר מ"ח הנ"ל ע"י חפירותו בעפר גופו כשיוצא מעט מים מתוקים ערבים לו מאד מפני שגופו
רעבה בעבודת ה' וזהו באר חפרוה שרים:**

یعنی: چاه آب زنده‌ای که در بالا یاد شد - انسان با کندن در خاکِ بدنِ خویش، هنگامی که اندکی آب بیرون می‌آید، آن را بسیار شیرین و دلپذیر می‌یابد، زیرا بدنش در خدمتِ **ה'** گرسنه است. و این است: «چاهی که امیران گندند.»



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از likuteitorah.com/fa/torah-ohr/toldos/4/

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک